



دانشگاه ایلام

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته: فلسفه و حکمت اسلامی

بررسی ماهیت مرگ و حیات پس از آن از دیدگاه شیخ الرئیس و حکیم ملاصدرا

استاد راهنما:
دکتر حسن قنبری

استاد مشاور:
دکتر شمس اله صفرلکی

نگارش:
فریبا الهی پناه

دی ۱۳۸۹

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ

الرَّحِیْمِ»

به نام خدا!

بررسی ماهیت مرگ و حیات پس از آن از دیدگاه شیخ الرئیس و حکیم ملاصدرا

توسط :

فربیا الهی پناه

پایان نامه ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت های لازم

برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی :

الهیات (فلسفه و حکمت اسلامی)

از دانشگاه ایلام

ایلام

جمهوری اسلامی ایران

در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۷ توسط هیات داوران زیر ارزیابی و با درجه به تصویب نهایی رسید

دکتر حسن تشری ، استادیار گروه الهیات دانشگاه ایلام (راهنما و رئیس هیات داوران)

دکتر شمس الله صفر لکی ، استادیار گروه الهیات دانشگاه ایلام (مشاور)

دکتر سید رحمت الله موسوی مقدم ، استادیار دانشگاه علوم پزشکی (داور)

دکتر طاهر علی محمدی ، استادیار دانشگاه ایلام (داور)

دی ماه ۱۳۸۹

تقدیم به:

مادر مهربان و بسیار عزیزم که بی نهایت مدیون لطف و زحمات او هستم

سپاسگزاری:

سپاس حقیقی مختص حقیقت مطلق حضرت حق تعالی است که بشر را به نعمت دانش مغتنم

ساخته، قلم را مقدس نمود و به آن سوگند یاد کرد و دانایی را معیار ارزش و اعتبار دانست.

اکنون که این پایان نامه به اتمام رسیده، بر خود لازم می دانم از اساتید محترم جناب آقای دکتر

قنبری و جناب آقای دکتر صفرلکی به خاطر زحمت و راهنمایی اینجانب در انجام تحقیق و تدوین

پایان نامه تشکر و سپاسگزاری نمایم.

و همچنین از دوستان بزرگواری که با ارائه اطلاعات و فراهم نمودن زمینه لازم، امکان انجام

این تحقیق را برای اینجانب فراهم نموده اند، صمیمانه سپاسگزارم.

چکیده:

در دین مبین اسلام کسب علم و دانش و به تبع آن، مطالعه و کتابخوانی از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است. این مسأله از آنجایی ارزش و اهمیت می یابد که معجزه پیامبر اکرم (ص) کتاب بوده و وحی و پیام الهی در قالب کتاب بر مردم ابلاغ شده است و در این کتاب مقدس هم اولین آیاتی که بر پیامبر (ص) نازل شده با امر به خواندن و الفاظ علم و قلم همراه شده است. پژوهش حاضر جایگاه و اهمیت کتاب و کتابخوانی را از نگاه آیات قرآنی و روایات ائمه معصومین (ع) مورد بررسی قرار داده و همچنین بر آن شده تا با تکیه بر آیات و روایات، روشهای مطالعه صحیح را مطرح نموده و در راستای ترویج فرهنگ کتابخوانی راهکارهایی را ارائه نماید. این پژوهش نشان داد که در اسلام، کتاب و کتابخوانی به عنوان یک استراتژی بی بدیل برای رشد و تعالی فرد و جامعه مورد توجه قرار گرفته است؛ که در راستای اثر بخشی به آن در زندگی فردی و اجتماعی شرایط و راهکارهایی ارائه شده که عمل به آنها موجب بهره وری از این عنصر فرهنگی می باشد و می تواند آثاری را بدنبال داشته باشد که هم به حال فرد و هم به حال جامعه سودمند واقع شود. این مطالعه به روش کتابخانه ای انجام شده که جهت گردآوری مطالب آن از منابع کتابخانه ای استفاده شده است. و بعد از تحلیل محتوایی مطالب گردآوری شده حاصل آمده است. در این مطالعه از روشی نظام مند استفاده شده که در آن آیات و روایات را تحلیل نموده و در راستای تبیین و توضیح بحث مورد مطالعه از آنها استفاده نموده است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات.....	۵
۱-۱- بیان مسئله.....	۶
۱-۲- ضرورت و اهمیت موضوع.....	۷
۱-۳- فرضیه‌های تحقیق.....	۸
۱-۴- اهداف تحقیق.....	۹
۱-۵- تعریف لغوی معاد.....	۱۰
۱-۶- معاد در اصطلاح.....	۱۰
۱-۷- تعریف مرگ.....	۱۱
۱-۸- مراد از بقا نزد فلاسفه اسلامی.....	۱۱
۱-۹- اهمیت معرفت معاد از دیدگاه قرآن کریم.....	۱۳
۱-۱۰- اهمیت معرفت معاد از دیدگاه احادیث.....	۱۵
۱-۱۱- حیات خالص و نشأت اخروی.....	۱۶
۱-۱۲- معاد جسمانی.....	۱۸
۱-۱۵- معاد روحانی.....	۱۸
۱-۱۴- معاد جسمانی و روحانی.....	۱۹

فصل دوم: معاد از دیدگاه ابن سینا..... ۲۰

- ۱-۲- شیخ الرئیس و معاد جسمانی..... ۲۱
- ۲-۲- محدودیت توان عقل و ادراکات عقل فلسفی..... ۲۳
- ۲-۳- ابن سینا و اتهام انکار معاد جسمانی..... ۲۴
- ۲-۴- بررسی عین کلمات شیخ در خصوص معاد..... ۲۵
- ۲-۵- معاد روحانی در اندیشه ابن سینا..... ۴۱
- ۲-۶- اصول ابن سینا در اثبات معاد..... ۴۳
- ۲-۷- نتیجه اصول گذشته..... ۴۷
- ۲-۸- سعادت و شقاوت روحانی..... ۵۲
- ۲-۹- حد و مرز خوشبختی و بدبختی..... ۵۴

فصل سوم: معاد از دیدگاه ملاصدرا..... ۵۶

- ۳-۱- معاد روحانی در حکمت متعالیه..... ۵۷
- ۳-۲- ماهیت نفس و قوای آن از دیدگاه ملاصدرا..... ۶۰
- ۳-۲-۱- اتحاد نفس و بدن برای رسیدن به کمال برتر..... ۶۰
- ۳-۲-۲- حرکت اشتدادی در مراتب وجودی نفس..... ۶۵
- ۳-۲-۱- الف) قوای ظاهری نفس و رتبه محسوسات..... ۶۵
- ۳-۲-۲- ب) جایگاه قوای باطنی و مدرکات آنها..... ۶۶
- ۳-۲-۳- ج) رتبه کمال انسانی یا قوه ناطقه و تعقل..... ۶۶
- ۳-۳-۲- حرکت جوهری و وحدت نفس..... ۶۸

- ۶۹-۲-۳-۴-وصول به مقام شهود و سعادت حقیقی.....
- ۷۴-۳-۳-کیفیت حصولی و سعادت روحانی.....
- ۷۵-۳-۴-ماهیت سعادت حقیقی.....
- ۷۸-۳-۵-شقاوتی که در ازای سعادت است.....
- ۸۰-۳-۶-در سبب خالی بودن بعضی از نفوس از معقولات و حرمان از سعادت اخروی.....
- ۸۲-۳-۷-احوال نفوس ناقص و متوسط، سعادت و شقاوت آنها با ظن بر رأی حکما.....
- ۸۴-۳-۸-فلسفه اسلامی و معاد جسمانی.....
- ۸۴-۳-۸-۱-طرح فلسفی معاد جسمانی.....
- ۸۵-۳-۸-۲-گذر از حوزه کاری فیلسوفان پیشین.....
- ۸۷-۳-۹-اصول صدرایی در اثبات معاد جسمانی.....
- ۹۳-۳-۱۰-نتیجه گیری ملاصدرا از اصول معاد جسمانی.....
- ۹۶-۳-۱۱-ملاک معاد جسمانی از نظر ملاصدرا.....
- ۹۷-۳-۱۲-گفتار ناقدان معاد جسمانی ملاصدرا.....
- ۱۰۰-۳-۱۳-بررسی اصول ملاصدرا در معاد جسمانی.....
- ۱۰۴-۳-۱۴-شبهات منکرین معاد جسمانی و پاسخ به آنها.....
- ۱۱۳-۳-۱۵-ملاصدرا و مسئله تناسخ.....
- ۱۱۳-۳-۱۵-۱-انواع تناسخ.....
- ۱۱۳-۳-۱۵-۱-۱-انتقال نفس در این دنیا از بدنی به بدن دیگر.....
- ۱۱۴-۳-۱۵-۲-انتقال نفس از بدن دنیوی به بدن اخروی متناسب با صفات.....

- ۱۱۶..... ۱۵-۳-۱-۳- مسخ باطن و به تبع آن، ظاهر.....
- ۱۱۷..... ۱۵-۳-۲- دلیل ملاصدرا بر ردّ قسم اول تناسخ.....
- ۱۲۲..... ۱۶-۳- در بیان حشر.....
- ۱۲۴..... ۱۷-۳- عمومیت حشر و حشر عوالم.....
- ۱۲۵..... ۱۸-۳- در امر باقی ماندن از اجزاء بدن انسان با نفس او.....
- ۱۲۶..... ۱۹-۳- در بیان حقیقت موت.....
- ۱۲۶..... ۲۰-۳- ماهیت قبر، عذاب و ثواب.....
- ۱۲۸..... ۲۱-۳- در حقیقت بعث.....
- ۱۲۸..... ۲۲-۳- صراط.....
- ۱۳۰..... ۲۳-۳- نفخ صور.....
- ۱۳۱..... ۲۴-۳- در بیان نشر کتب و صحایف.....
- ۱۳۳..... ۲۵-۳- در بیان حساب و میزان.....
- ۱۳۴..... ۲۶-۳- در بیان ماهیت بهشت و دوزخ.....
- ۱۳۷..... ۲۷-۳- کیفیت تجسم اعمال در ابدان اخروی.....
- ۱۳۸..... ۲۸-۳- در حشر نفوس حیوانی.....
- ۱۳۸..... ۲۹-۳- قیامت صغری و قیامت کبری.....
- ۱۳۹..... ۳۰-۳- نحوه وجود انسان در قیامت.....
- ۱۴۱..... ۳۱-۳- خلود اهل دوزخ در دوزخ.....
- ۱۴۲..... ۳۲-۳- در بیان احوالی که در روز قیامت پدید می‌گردد.....
- ۱۴۶..... جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
- ۱۵۴..... منابع و مأخذ.....

مقدمه:

اعتقاد به معاد، عنصری اساسی در تمامی ادیان الهی است، بلکه در ادیان غیر آسمانی هم اعتقاد به روح و بازگشت ارواح و پاداش و کیفر فراسوی جهان ماده را، می‌توان یافت. در دین مبین اسلام، اندک آشنایی با قرآن کریم کافی است تا انسان به اهمیت ژرف و ابدی که این کتاب آسمانی برای شناخت زندگی جاودان ابراز داشته است، پی ببرد. برخی از پژوهشگران گفته‌اند، چهار هزار آیه از آیات قرآن درباره معاد است، یعنی نزدیک به دو سوم کتاب خدا و برخی به طور قطع، هزار و چهارصد آیه را درباره معاد دانسته‌اند. احادیث رسیده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرين (ع) درباره معاد نیز بسیار است.

در حوزه تفکر اسلامی نیز بحث معاد اگرچه به طور اجمال مورد پذیرش فلاسفه و اهل عمل یا گروندگان به ادیان است، اما در عین حال از پر رونق‌ترین و جنجال برانگیزترین مباحث اعتقادی است که دامنه آن از انکار بُعد غیر مادی برای انسان، تا اثبات مجرد تام برای جنبه روحانی وی گسترده شده است. اصلی‌ترین مسأله مورد بحث آنها، چگونگی معاد است نه اصل معاد.

اکثریت مسلمانان و عموم فقیهان و اصحاب حدیث، معاد را فقط جسمانی می‌دانند، زیرا در نزد ایشان روح، جسمی است که در بدن سریان دارد، همان طور که آتش در زغال و روغن در زیتون جاری و ساری است. بنابراین چون روح که حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد، جسم لطف و ساری است که در جسم کثیف یعنی بدن جریان دارد، پس عمود انسان در آخرت چیزی جز معاد جسم نیست.

در نقطه مقابل این دسته جمهور فلاسفه و اتباع مشائین قرار دارند که معاد را صرفاً روحانی یعنی عقلی می‌دانند که طبق این نظر، بدن شخص به هیچ وجه معادی نخواهد داشت و نفس چون جوهری مجرد و باقی است، از این رو پس از مرگ به عالم مفارقات باز می‌گردد و در آنجا به لذات و الم عقلی سعادت‌مند و یا دچار شقاوت خواهد شد.

دسته‌ای نیز قائل به هر دو معاد (جسمانی و روحانی) می‌باشند. چنانچه بسیاری از اکابر حکما و مشایخ عرفاء همچون غزالی، کعبی حلیمی و راغب اصفهانی (از علمای اهل سنت) و نیز عده کثیری از اصحاب امامیه نظیر شیخ مفید، شیخ طوسی، محقق طوسی و علامه حلی چنین عقیده‌ای را برگزیده‌اند و تکیه گاه این دسته در اعتقاداتشان این است که نفس مجرد در قیامت به بدن بر می‌گردد و ثواب و عقاب اخروی به هر دو جنبه روحی و بدنی انسان تعلق پیدا می‌کند.

سپس در بین کسانی که به هر دو معاد قائلند، در اینکه بدن آخرتی، عین همین بدن دنیوی یا مثل آن است، با یکدیگر اختلاف کلمه پیدا کرده‌اند. آنچه هویدا است، کلام کثیری از اهل اسلام متمایل به این است که بدن آخرتی غیر از بدن دنیایی است به حسب خلقت و شکل، یعنی هم خلقت آن یک خلقت نو و جدید است و هم از نظر شکل و صورت با یکدیگر تفاوت دارند. در اینجا اشکالی ممکن است طرح شود و آن اینکه در این صورت، یعنی اگر بدن آخرتی غیر از بدن دنیایی باشد، آنچه که از رهگذر لذات و آلام جسمانی ثواب داده می‌شود و یا عقاب می‌بیند، غیر از آن چیزی است که طاعتی به جا آورده و با مرتکب معصیت می‌شود؟ پاسخ روشن است؛ آنچه که در لذات و الم معتبر است، ادراک است والا خود جسم بماهو جسم نه درکی از ملائم دارند تا

لذتی برایش حاصل شود و نه ادراکی از ناملايمات و عذاب، و این تنها روح (نفس) است که قابلیت ادراک دارد و او عیناً باقی است، بدون اینکه دستخوش فنا و انعدام شده باشد.

صدرالمتألهین، پس از برشمردن آرا و مذاهب موجود، نظرگاه خاص خود را مطرح می‌کند. او با ضرس قاطع اعلام می‌کند، آنچه در قیامت اعاده می‌شود، همین شخص انسانی است که عمری را در دنیا سپری کرده و از نظر نفس و بدن عیناً همان است که بود. در مورد نفس که مشکلی نیست، و در مورد بدن هم می‌فرماید، بدن اخروی عیناً بدن دنیوی است، به گونه‌ای که اگر را ببینیم، خواهیم گفت عیناً هم او را که قبلاً در دنیا می‌زیسته، دیده‌ایم.

از آنجایی که هدف در این رساله، بررسی دیدگاه‌های دو فیلسوف بزرگ شیخ‌الرئیس و ملاصدرا می‌باشد، لذا واکاوی طی سه فصل صورت گرفته است. در فصل اول مروری کلی بر یک سری موضوعات پیرامون مساله مرگ دارد، مانند معنای لغوی معاد، حقیقت معاد، معاد روحانی و...؛ فصل دوم به طرح نظر ابن‌سینا در مورد معاد می‌پردازد.

در معاد جسمانی مساله اتهام انکار معاد جسمانی و بررسی کلام شیخ مطرح می‌شود و در معاد روحانی به ذکر اصول ابن‌سینا در خصوص معاد روحانی و ذکر سعادت و شقاوت پرداخته می‌شود و در فصل سوم به طرح نظر ملاصدرا در مورد معاد می‌پردازد که شامل دو نوع معاد، معاد جسمانی و معاد روحانی می‌شود و هر کدام شامل بخش‌های متعددی می‌باشد. در معاد جسمانی، ملاصدرا پس از بیان اصول یازده گانه‌اش، نظر خود را در خصوص معاد جسمانی بیان می‌کند و در مقام دفع شبهات منکرین معاد جسمانی بر می‌آید و....

در آخر نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از سخنان این و فیلسوف بزرگ در خصوص معاد

پرداخته می‌شود.

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسئله:

اساساً موضوع معاد از اصول اعتقادی ادیان آسمانی شمرده می‌شود و پیروان همه ادیان به آن باور دارند. از این رو در قرآن مجید (به منزله آخرین پیام الهی برای بشریت) به این موضوع پرداخته شده و یک سوم از آیات به این امر اختصاص یافته است. در این گونه از آیات به تفصیل از اهمیت، اثبات و چگونگی معاد سخن رفته است. همچنین دانشمندان مسلمان رشته‌های فلسفه، کلام، تفسیر و... به پژوهش‌های گسترده‌ای در این باره پرداخته و کتاب‌ها و رساله‌هایی را نگاشته‌اند. در این میان، موضوع اساسی و درخور توجه برای همگان «چگونگی معاد» بوده است.

سوال اینجاست:

آیا معاد فقط جسمانی است، آن گونه که اکثریت مسلمانان و عموم فقیهان به آن قائلند؟

یا اینکه صرفاً روحانی است، آن گونه که جمهور فلاسفه و اتباع مشائین به آن قائلند؟

گرچه حکمای اسلامی همگی به معاد جسمانی اعتراف دارند، اما در امکان اقامه دلیل عقلی و فلسفی دچار اختلاف هستند. ابن سینا اثبات معاد روحانی را از طریق ادله عقلی ممکن می‌داند و از طریق ادله شرعی، معاد جسمانی را می‌پذیرد. در حالی که صدر المتألهین با تاسیس اصل مهم و اساسی جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا بودن نفس و با پایه‌گذاری اصولی چند، بر معاد جسمانی استدلال کرده است.

۲-۱- ضرورت و اهمیت موضوع:

یکی از اصول اعتقادی ما مسلمان، اصل معاد و زندگی پس از مرگ است. این اصل در دین اسلام از چنان جایگاهی برخوردار است که عدم اعتقاد بدان، موجب کفر و خروج از اسلام می‌گردد. بنابراین شناخت دقیق این اصل و آگاهی از نظرات فلاسفه و علما و متکلمین و رسیدن به درکی درست در مورد این اصل مهم و سرنوشت‌ساز، می‌تواند بسیاری از اختلافات عقیدتی بین مسلمانان را بر طرف کند و آنها را به مسیر درست هدایت نماید.

۳-۱- فرضیه‌های تحقیق:

۱- ابن سینا ضمن اینکه به معاد روحانی قائل بوده، با تمسک به آیات و روایات به معاد جسمانی هم معتقد بوده است.

۲- معاد ملاصدرا، معادی جسمانی و روحانی بوده است.

۳- میان معاد در حکمت متعالیه و معاد در حکمت مشاء، نقطه اشتراک و افتراق وجود دارد.

۴-۱-اهداف تحقیق:

۱-بررسی ماهیت مرگ و حیات پس از آن از دیدگاه شیخ‌الرئیس و حکم ملاصدرا.

۲-آگاهی از مسئله معاد در قرآن، احادیث.

۳-آگاهی از نقاط اشتراک و افتراق این دو دیدگاه.